

## کمال یا زوال، فصاحت تا معلولیت، بررسی آلبوم تاریکی از هادی پاکزاد

نوشتن در مورد هنرمندی همچون هادی پاکزاد که ترانه‌هایش درگیر مضامین سطحی نیست، کمی سخت است. باوجوداینکه در انعکاس افکار خود در ترانه‌ها بسیار موفق بود، تاریکی نقطه‌ی کوری در آثار او به‌شمار می‌رود. زبان، ابزار تبادل فکر و در واقع رمز عبور قفل ذهن انسان و اصلی‌ترین ویژگی و معیار هویت و باور است. کلام، موجب نزدیکی افراد یک جامعه و شکل‌گیری اجتماعات و ایجاد ارتباطات یک‌پارچه است. مردم با بهره‌گیری کلام، افکار خود را به‌زبان و ارتباطات عمیق پدید می‌آورند. شخصیت و هویت افراد بر اساس نحوه‌ی بیان و کلام آنها شکل می‌گیرد. این مسئله در موسیقی نیز وجود دارد. رواج گسترده‌ی موسیقی در سال‌های اخیر، انتقاداتی پیرامون کیفیت آثار هنری ارائه‌شده در این حوزه برانگیخته است. برخی از این انتقادات متوجه نوع ترانه‌هایی است که در موسیقی پاپ به مخاطب ارئه می‌شود. نحوه‌ی بیان افکار، به‌وسیله ترانه، بنیان اصلی در موسیقی باکلام است. توصیف و تعریف شعر هرچه باشد، میزان قوه‌ی تخیل را در مغز شاعر به‌نمایش می‌گذارد. اینکه تخیلات و توهمات عوامل درک انسانی، در ترانه و شعر سهم ویژه‌ای دارند، مورد تردید نیست؛ ولی اینکه آیا این امور همه‌ی ماهیت ترانه است یا نه؟ مورد بحث و تأمل است. ترانه از مظاهر موسیقی به‌شمار می‌رود و ابزار اجرای آن، با موسیقی متفاوت است. چنانچه در موسیقی نتیجه‌ی کار، اصوات و ابزار اجرا، سازها هستند؛ اما در ترانه نتیجه‌ی حاصل، کلمات و ابزار اجرایی، حنجره است. ترانه در کنار موسیقی به‌عنوان انتزاعی‌ترین فرم‌های هنری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر ترانه هنگام نوشتن متعلق به زمان خاص خود است و امروز به زبان بیان دغدغه‌های افراد تبدیل شده‌است. امروزه نقش ترانه در موسیقی مدرن بسیار پررنگ شده‌است. ترانه اگر با آگاهی و توسط آهنگ‌ساز مسلط انتخاب و نوشته شود، تکمیل‌کننده‌ی پیام موسیقی است. در واقع موسیقی بدون کلام حاوی پیغام خاصی نیست؛ بنابراین هرکسی برداشت شخصی خود را خواهد داشت؛ اما با اضافه‌شدن ترانه، سمت‌وسوی خاصی پیدا می‌کند. مهدی اخوان ثالث می‌گوید: یک «شاعر» در جامعه اگر نگوئیم از حساس‌ترین اعضا و عناصر است، لاقلاً یکی از حساس‌ترین نقاط و شاخه‌های پیکره و درخت آدمیت است؛ درختی در جنگل انسانی و جامعه‌ی بشری که هر نسیم آرام و باد تندی که می‌وزد، هر بارش و تابش و ضربت و ریزش بر او شاید بیش‌از دیگران تاثیر داشته باشد. یکی از عناصر ترانه در موسیقی، زبان و تفکر پشت آن است. آنچه حافظ را برای ما از مرز زمان بیرون می‌آورد تفکر اوست؛ وگرنه نمادهای عصر ما با نمادهای زمان او تفاوت بسیاری دارد. ترانه بازگوی فرازونشیب و باورهای انسانی از گذشته تاکنون است. هادی پاکزاد؛ هنرمندی بود که بیش‌ازآنکه بر جنبه‌های موسیقایی آثار خود تمرکز داشته باشد، بر کلام خود تکیه می‌کرد. او بارها در گپ‌وگفت‌های مختلف از کلام‌محوربودن آثار خود سخن گفته بود. ترانه و شعر همواره اولویت اصلی او در موسیقی بود و این مهم‌ترین تمایز آثار او با سایر آثار موسیقی راک در ایران به‌شمار می‌رفت. استفاده از اشعار کلاسیک به‌جای ترانه‌نویسی، بزرگ‌ترین مشکل موسیقی راک در ایران است؛ جایی که آهنگسازان و تولیدکنندگان این حوزه تقریباً خود را در بن‌بست اندیشه می‌بینند. این روند هرچند در

سال‌های اخیر با حضور گروه‌هایی تا حدودی تغییر کرده و موجب شده تا برخی از این هنرمندان به سمت ترانه‌سرایی سوق پیدا کنند. به‌طور مشخص تعداد اندکی از گروه‌ها و ترانه‌سرایان در ایران موفق شده‌اند تا خصوصیات ویژه‌ی موسیقی راک را در ترانه‌های خود منعکس کنند. از همین روی، در اکثر آثار راک باکلام ایرانی، مهم‌ترین ویژگی آن یعنی عنصر ارتباطی کلام نادیده گرفته شده‌است. شاید بیشترین عامل موفقیت هادی پاکزاد، ترانه‌های نوین او باشد که حاصل خلاقیت و تلاش او طی سال‌های متمادی‌ست. با این وجود، تاریکی تقریباً نامنظم‌ترین آلبوم هادی پاکزاد که تا به حال از او منتشر شده، به‌شمار می‌رود؛ هرچند کالکشنی از آثاری‌ست که او از گذشته تا به حال منتشر کرده‌است. او با کنار گذاشتن دو آلبوم سرزمین وحشت و زندگی زیرزمین، مجموعه‌ای از بهترین آثار خود را در یک آلبوم گنجانده‌است. البته شاید همیشه بهترین‌ها کنار یکدیگر، برترین‌ها نباشد. ترانه‌های او تصاویر و تشبیهات نوآورانه‌ای را در خود جای داده که ذهن هر شنونده‌ی خلاق را برمی‌انگیزد؛ اما روند قطعات در آلبوم تاریکی کمی کسل‌کننده به نظر می‌رسد. امروز، هرچند هادی پاکزاد میان مخاطبان خود نیست؛ اما کلام او همچنان پابرجاست و زبان او وسیله‌ی تبادل افکار میان او و مخاطبانش است.

منبع: کرنافی، آریا، 1395، رسانه نوا